

تدریس مشارکتی زمینه‌ای برای یادگیری بهتر

کلیدواژه‌ها: عملکرد تدریس مشارکتی، تفکر مشارکتی، رشد حرفه‌ای معلمان، کار تیمی

اشاره

همه ما تجربه تدریس یک معلم در چند درس (دوره ابتدایی) و یک معلم در یک درس (دوره‌های متوسطه اول و دوم) را داشته‌ایم، اما اینکه چند معلم یک درس یا موضوع را تدریس کنند، خیلی نادر است. اینکه تدریس مشارکتی یک درس یا موضوع در نظام آموزشی کشورمان شدنی است یا خیر، موضوع بحث حاضر نیست. در مقاله کوتاه حاضر تلاش شده است نقش معلمان و مدیران در اجرای تدریس مشارکتی بررسی و توصیه‌هایی نیز ارائه شود.

تدریس مشارکتی خلق یک موقعیت است که در آن چند نفر در طراحی و اجرا همکاری می‌کنند

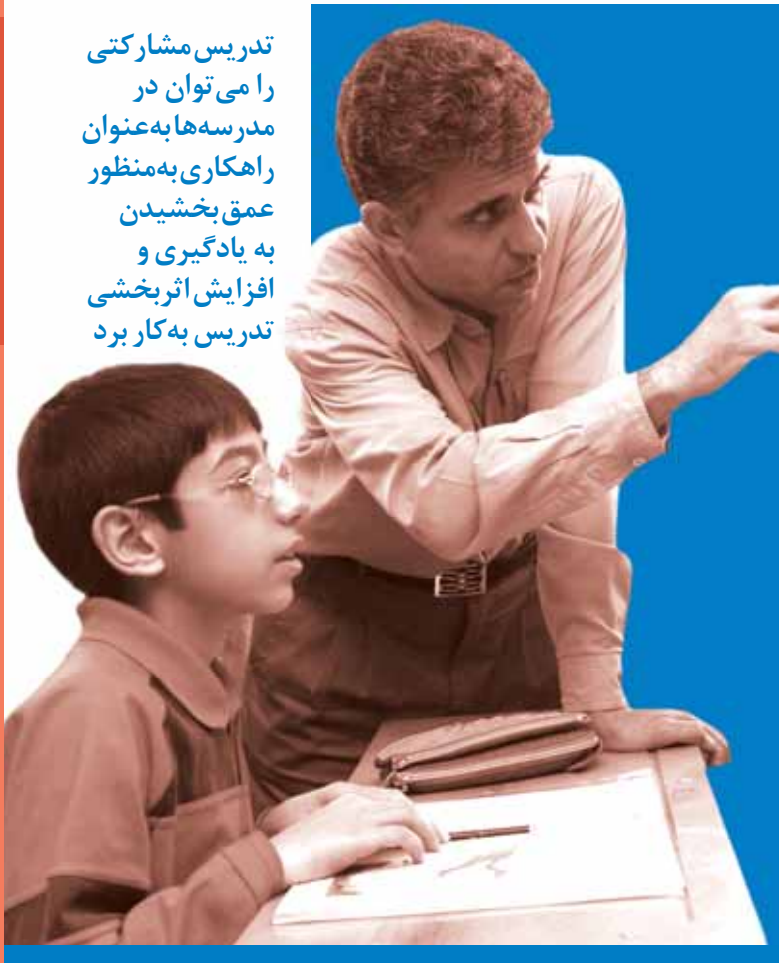
همه ما سال‌های زیادی از عمر خود را در مدرسه گذرانده‌ایم. ایس^۱ (۲۰۱۳) می‌گوید: پس از تماشای تلویزیون، مدرسه در رتبه دوم پر کردن وقت دانش‌آموزان قرار دارد. چنین زمان طولانی تجارب بسیار متنوعی را به بار می‌آورد که برخی از آن‌ها در برنامه رسمی و پنهان و یا پوچ پوشش داده می‌شود. بخش زیادی از تجارب مدرسه پیش‌بینی نشده و تابع شرایط محیطی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و زبان است. اکثر دانش‌آموزان وقتی معلم دیگری برای تدریس درس به جای معلم اصلی‌شان به کلاس می‌آید، نمی‌توانند با او ارتباط برقرار کنند و تدریس عملاً متوقف می‌شود. دانش‌آموزان نمی‌توانند پیوستار تدریس معلم جدید را با معلم خودشان سازگار کنند و در اکثر موارد معلم ترجیح می‌دهد، فقط به اداره کلاس بپردازد و از تدریس صرف‌نظر کند. حتی اگر دو معلم برنامه‌ریزی نیز کرده باشند، نمی‌توانند تجربه موفق‌تری را برای دانش‌آموزان رقم بزنند. یکی از دلایل این امر کار شبیه‌سازی معلم جایگزین با معلم اصلی و

تلاش برای تدریس موضوع به روشی است که در کلاس رایج بوده، و دیگری آماده نبودن ذهن دانش‌آموزان است. اسپرر^۲ (۲۰۱۵) می‌گوید: تدریس مشترک موضوعات و یا درس‌ها، کاری نیست که به‌سادگی بتوان آن را اجرا کرد. زیرا چالش‌های زیادی در این خصوص وجود دارد که به‌سادگی نمی‌توان بر آن‌ها غلبه کرد. **موراوسکی^۳** و **برن‌هارت^۴** (۲۰۱۵) معتقدند: تدریس مشارکتی در نظام‌های متمرکز با دشواری‌های زیادی مواجه است و به‌نوعی نمی‌توان آن را اجرا کرد. البته در نظام‌های غیرمتمرکز شدنی‌تر است. اسپرر (۲۰۱۵) می‌گوید: اجرای تدریس مشارکتی به فرهنگ‌سازی و تفکر مشارکتی نیاز دارد و در صورتی که در یک نظام آموزشی چنین تفکری حاکم نباشد، نمی‌توان به اجرای موفق آن امیدوار بود (چه متمرکز و چه غیرمتمرکز). او همچنین می‌گوید: اگر چنین سیاستی مدنظر باشد، باید به تربیت معلمان نیز توجه شود.

بنینگ‌هوف^۵ (۲۰۱۵) در تعریف تدریس مشارکتی می‌گوید: «تدریس مشارکتی، تدریس کردن یک موضوع یا درس توسط دو نفر نیست، بلکه خلق کردن یک موقعیت یادگیری است که دو یا چند فرد با هم آن را طراحی کرده‌اند و در کلاس اجرا می‌کنند. در چنین موقعیتی هر یک از معلمان بخشی از پازل به حساب می‌آیند و مانند مسابقه به رهبری تیم می‌پردازند. بهترین ویژگی چنین یادگیری و تدریسی جامعیت، اثربخشی و یک‌پارچه بودن آن است. همان‌طور که از این تعریف مشخص است، تدریس مشارکتی نیازمند فراهم بودن شرایطی است که مهم‌ترین آن بستر کار و هماهنگی و برنامه‌ریزی است. بر همین اساس اسپرر (۲۰۱۵) می‌گوید: برای اجرا کردن تدریس مشارکتی فراهم بودن شرایط زیر ضروری است:

۱. **برنامه‌ریزی دقیق:** در تدریس مشارکتی یک نفر نمی‌تواند کار برنامه‌ریزی را انجام دهد. این امر نیازمند مسئولیت‌پذیری همه افراد در طراحی درس و پیش‌بینی الزامات اجرای آن است. برنامه‌ریزی تدریس مشارکتی نیازمند توجه به تمامی عوامل اثرگذار بر یادگیری و عوامل محیطی، فرهنگی و تنوع دانش‌آموزان است.
۲. **ارتباطات مداوم و هماهنگ:** در تدریس مشارکتی، اعضای تیم تدریس‌کننده باید کاملاً با هم ارتباط نزدیک داشته باشند و هماهنگی لازم را به‌منظور اجرایی کردن فرایند تدریس داشته باشند.
۳. **پرهیز از شبیه‌سازی و بر حاشیه راندن:** تدریس مشارکتی این نیست که یک فرد به‌عنوان

تدریس مشارکتی
را می توان در
مدرسه ها به عنوان
راهکاری به منظور
عمق بخشیدن
به یادگیری و
افزایش اثربخشی
تدریس به کار برد



معلم اصلی عمل کند و فرد یا افراد دیگر به عنوان یادگیرنده و یا دستیار او باشند. تدریس مشارکتی نوعی کار تیمی است و حاشیه و متن ندارد. هر فردی به اندازه توان و تخصص خود می تواند در فرایند یادگیری نقش داشته باشد. این روش نیازمند خلاقیت است نه شبیه سازی با دیگران.

۴. تفکر مشارکتی: هر چند تدریس مشارکتی را می توان با هماهنگی دو یا چند معلم در یک مدرسه اجرایی کرد، اما کمترین موضوع وجود <تفکر کار مشارکتی> است. تدریس مشارکتی برای یادگیری بهتر و عمق بخشیدن به آن انجام می گیرد و صرفاً یک کار تمرینی نیست. بنابراین فراهم بودن بستر و موقعیت آن اهمیت زیادی دارد. اثربخشی تدریس مشارکتی نیازمند حمایت مدیران آموزشی است. مورائوسکی و برن هارت (۲۰۱۵) به مدیران توصیه می کنند، برای فراهم کردن شرایط اجرای تدریس مشارکتی، به شواهد زیر توجه کنند:

۱. فراهم کردن فضای رشد حرفه ای، مشارکت و کار تیمی؛
۲. تثبیت و حمایت از برنامه ریزی تدریس مشارکتی؛
۳. همکاری با متخصصان امر و کمک خواستن از معلمان با نگاه مثبت به موضوع؛
۴. نظارت و ارزشیابی دقیق و بدون سوگیری؛
۵. بهبود، مستندسازی و نهادینه کردن عمل تدریس مشارکتی در مدرسه.

موقعیت یک برنامه تدریس مشارکتی نیازمند هماهنگی و همکاری بیشتر همه افراد مدرسه و مشارکت دادن دانش آموزان است. بنینگ هوف (۲۰۱۳) می گوید: از سیال بودن فرایند تدریس و مواجهه با موقعیت های غیرقابل پیش بینی باید به عنوان فرصتی برای عمق بخشیدن به یادگیری استفاده کرد. او وجود متخصصان موضوعی را در کنار معلمان و تسهیم تجربه تدریس مشارکتی با دیگران را بسیار مفید ارزیابی می کند.

به طور کلی، تدریس مشارکتی را می توان در مدرسه ها به عنوان راهکاری به منظور عمق بخشیدن به یادگیری و افزایش اثربخشی تدریس به کار برد. این روش، در صورت فراهم نبودن شرایط اجرا و ناهماهنگی بین اعضای تیم اجراکننده، می تواند اثرات ناگواری بر دانش آموزان داشته باشد. بررسی تجارب معلمان تازه کار و نیز معلمان دارای تجربه که از این روش استفاده کرده اند، نشان می دهد که در مواردی بی تجربگی معلمان به تنش و هیجان بی مورد در محیط یادگیری منجر شده است. همان طور که مورائوسکی و برن هارت

(۲۰۱۵) توصیه می کنند، استفاده از متخصصان برنامه درسی، متخصصان موضوعی و مشورت با معلمان با سابقه در این مورد می تواند راهگشا باشد.

در شرایط فعلی نظام آموزشی کشورمان و با توجه به «سند تحول بنیادین آموزش و پرورش» به نظر می رسد زمینه سازی برای تدریس مشارکتی در مدارس بتواند زمینه را برای بهبود یادگیری فراهم سازد. شاید معلمانی باشند که تجربه اجرای چنین تدریسی را داشته باشند. مستند شدن تجارب ایشان می تواند گام مهمی در شناخت موانع این روش در مدرسه های کشورمان باشد.

- * پی نوشت ها.....
1. Ellis
 2. Marge Scherer
 3. Wendy W. Murawski
 4. Philip Bernhardt
 5. Anne M. Beninghof

* منابع.....

1. Scherer, Marge (2015). Perspectives/ What We Didn't Know When We Co-Taught. December 2015/ January 2016 /Volume 73/ Number 4 Co-Teaching: Making It Work pages 7-7.
2. Beninghof, Anne M (2015) To Clone or Not To Clone? December 2015/ January 2016/ Volume 73/ Number 4 Co -Teaching: Making It Work Pages 10-15.
3. Murawski, Wendy W. and Philip Bernhardt (2015). An Administrator's Guide to Co-Teaching. December 2015/ January 2016/ Volume 73/ Number 4 Co-Teaching: Making It Work Pages 30-34.